

به نام پروردگاریت

## آذر کیوان

زندگی نامه، آثار و عقاید

فرزانه گشتاسب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### آذرکیوان

زندگی‌نامه، آثار و عقاید

مؤلف: فرزانه گشتاسب

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: راهله دیناروند

صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۱۰۲،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: گشتاسب، فرزانه، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: آذرکیوان: زندگی‌نامه، آثار و عقاید/فرزانه گشتاسب.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۹۲ص.

شابک: 978-622-7689-37-2

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: آذرکیوان، قرن ۱۰ ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: آذرکیوانیان

موضوع: Azarkeyvian

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: BL۱۵۶۰

رده بندی دیویی: ۲۹۵/۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۸۴۱۸۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

## فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
	فصل اول: مقدمه
۱۱	مروری بر پژوهش‌های پیشین دربارهٔ آذرکیوان
	فصل دوم: زندگی و آثار آذرکیوان
۲۱	۱.۲ آذرکیوان، بنیان‌گذار مکتب آذرهوشنگی
۲۹	۲.۲ آذریان یا آبادیان، پیروان آذرکیوان
۳۳	۳.۲ شاگردان آذرکیوان
۴۹	۴.۲ میراث مکتوب آذرکیوان و شاگردانش
۸۲	۵.۲ میراث گمشدهٔ مکتب آذرکیوان
	فصل سوم: آذرکیوان و آموزه‌های ادیان دیگر
۹۹	۱.۳ آذرکیوان و ادیان دیگر
۱۰۳	۲.۳ آذرکیوان و حکمای دیگر
۱۱۷	۳.۳ آذرکیوان و زرتشت
۱۲۶	۴.۳ آذرکیوان و اکبرشاه
۱۲۷	۱.۴.۳ آرا و عقاید اکبرشاه
۱۴۸	۲.۴.۳ ارتباط آذرکیوان با دربار اکبرشاه
	فصل چهارم: آراء و عقاید آذرکیوان
۱۵۷	۱.۴ آفرینش عالم
۱۵۷	۱.۱.۴ حدوث یا قدم عالم
۱۵۸	۲.۱.۴ ادوار عالم
۱۶۳	۳.۱.۴ نخستین انسان

۴ آذرکیوان (زندگی نامه، آثار و عقاید)

۱۶۵	۲.۴ تناسخ
۱۷۶	۳.۴ خلع بدن و عروج روحانی
۱۸۱	۴.۴ رمز و تأویل آن
۱۸۴	۱.۴.۴ زبان آسمانی
۱۸۸	۲.۴.۴ نمونه‌هایی از تأویلات آذریان
۲۰۲	۵.۴ ریاضت و زهد
۲۰۴	۱.۵.۴ راه و رسم زهدورزی در مکتب آذرکیوان
۲۰۸	۲.۵.۴ نمونه‌هایی از راه و رسم زهدورزی در نوشته‌های آذریان
۲۱۲	۶.۴ علوم غریبه
۲۱۴	۱.۶.۴ جایگاه علوم غریبه در میان علوم دیگر
۲۱۸	۲.۶.۴ علم فراست
۲۲۱	۳.۶.۴ چهره و صفات پادشاهان در فراست‌نامه آذرکیوان
۲۲۸	۷.۴ فره
۲۳۳	۸.۴ معاد
۲۳۶	۹.۴ موعود
۲۴۱	۱۰.۴ معجزه
۲۴۱	۱.۱۰.۴ چیستی و چرایی معجزه در مکتب آذرکیوان
۲۴۵	۲.۱۰.۴ نمونه‌هایی از معجزات شاهان فره‌مند ایران باستان
۲۵۰	۱۱.۴ وحدت ادیان
۲۵۷	پیوست ۱: حضور آذرکیوان و یکی از پیروان نزدیکش به نام موبد هوش در جلسه‌ای در هند
۲۶۴	پیوست ۲: فراست‌نامه آذرکیوان
۲۶۷	پیوست ۳: ترجمه فارسی مناجات هورخش کبیر در کتاب دستیر
۲۷۵	پیوست ۴: گفت‌وگوی بهرام بن فرهاد با شیخ بهایی در مجلس درس شیخ
۲۷۸	پیوست ۵: معرفی کهن‌ترین ترجمه فارسی، از شرح قطب‌الدین شیرازی بر حکمة‌الاشراق
۲۹۹	پیوست ۶: واژه‌های فارسی دستیری و معنای آنها به نقل از نوشته‌های آذرکیوانی و فرهنگ دستیر
۳۵۷	کتاب‌نامه
۳۶۹	نمایه

## پیشگفتار

آذرکیوان و مکتب او، همچنین کتاب مشهور *دساتیر* را، در نیمه دوم قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری - یعنی در زمان حیات آذرکیوان و پیروانش - کمتر می‌شناختند تا دویست سال بعد. در اواخر قرن هیجدهم میلادی با انتشار کتاب *دبستان مناهب و سپس دساتیر*، نام آذرکیوان و مکتب او دوباره بر سر زبان‌ها افتاد و چاپ و نشر نوشته‌های آذرکیوانی که یکی پس از دیگری کشف می‌شد، سبب شد تا آموزه‌های مکتب آذرکیوان، تاریخی که در آثارشان ساخته بودند و به‌ویژه واژه‌های دساتیری، در ابعاد گوناگون بر فرهنگ ایرانی تأثیر بگذارد. موضوع این پژوهش شناخت آذرکیوان و پیروان او، آثار ایشان و آموزه‌هایی است که در ترویج آن می‌کوشیدند. بسیاری از محققان پیشین، آذرکیوان را به‌عنوان یکی از شارحان سهروردی و از زرتشتیانی که بنیان‌گذار مکتبی عرفانی در اواخر قرن دهم هجری قمری بود، می‌شناسند. پژوهش‌های نگارنده این برداشت را چندان تأیید نکرد. نگارنده امید دارد با انتشار کتاب حاضر، که تلاشی است برای گردآوری و بررسی مجموعه اطلاعاتی که از آذرکیوان در دست داریم، به نقد و بررسی آثار و عقاید این شخصیت مهم و تأثیرگذار قرن دهم کمک برساند.

نگارنده در فصل نخست این پژوهش، درباره زندگی آذرکیوان، پیروان و شاگردان او، آثار مکتوب و نیز میراث گمشده آذرکیوانیان مطالبی را بر اساس کتاب‌های بازمانده از این فرقه گردآوری و مدون نموده است.

در فصل دوم به ارتباط آذرکیوان با ادیان و حکما و فیلسوفان دیگر اشاره شده است. به دلیل اهمیت رابطه او با دین زرتشتی و نیز دین الهی اکبرشاه، در دو بخش جداگانه به این موضوعات پرداخته شده است.

معرفی آرا و اعتقادات آذرکیوان موضوع فصل سوم این پژوهش است. مطالعه آثار آذرکیوان به‌روشنی نشان می‌دهد که مکتب وی تلفیقی است از باورهای دینی و عرفانی ایران باستان،

عرفان و تصوف اسلامی و مکاتب فلسفی هند. در آثار به جای مانده از این مکتب، مطالب بسیاری از فلاسفه و صوفیان ایرانی نقل شده است، اغلب بدون آنکه اسمی از ایشان برده شود. آذرکیوانیان در برخی اعتقادات خود همچون تناسخ و تأویل کتب آسمانی به عقاید فرق اسلامی-ایرانی نزدیک بوده‌اند. همچنین ممکن است در آداب ریاضت‌های بسیار دشوار خود، از مکاتب هندی تأثیر پذیرفته باشند. تاکنون بیش از همه، درباره ارتباط آموزه‌های آذرکیوان با حکمت اشراقی سهروردی سخن گفته‌اند، گرچه این امر مخالفانی نیز دارد که آرای آذرکیوان را از روح اعلائی فلسفه اشراق دور می‌دانند. روشن است که به دلیل محدودیت منابع اصلی و دست اول به تمام اعتقادات این فرقه دسترسی نداریم. از خود آذرکیوان مستقیماً کتابی به دستمان نرسیده است که شامل آموزه‌های مدون او باشد و بسیاری از مطالب کتاب‌هایی که از این مکتب باقی مانده است، تنها ترجمه فارسی رساله‌های فلاسفه و حکمای ایرانی است که البته آذریان این مطالب را به حکمای ایران باستان منتسب کرده‌اند. آنچه را که نگارنده از اعتقادات آذرکیوان توانست گرد آورد، در فصل سوم مدون کرده است. ترتیب بخش‌های این فصل ترتیب الفبایی عناوین است، به جز فصل موعود که به دلیل ارتباط موضوع، بعد از فصل معاد آمده است.

بخش‌هایی از نوشته‌های آذریان که ناگزیر در متن پژوهش بارها باید به آن‌ها ارجاع داده می‌شد، در پیوست پژوهش آورده شده است. فایده دیگر این پیوست‌ها، آشنایی خواننده با بخش‌های کوتاهی از نوشته‌های آذرکیوانیان است. در آخرین پیوست، واژه‌های دساتیری از متون و نوشته‌های ایشان جمع‌آوری و با تعریف و توضیحی که خود ایشان برای واژه‌ها آورده‌اند، فهرست شده است.

این اثر، حاصل طرح پژوهشی اینجانب در پژوهشگاه علوم انسانی در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بوده است. پیش از اینکه این پژوهش را آغاز کنم، دنیل شفیلد و تاکشی آئوکی پژوهش‌های مهمی را درباره آذرکیوان منتشر کرده بودند. تماس با این دو محقق، نخستین اقدام من بود و ایشان با بزرگواری تمامی مقالات خود را برایم ارسال کردند، بسیار از ایشان سپاسگزارم؛ به‌ویژه سپاسدار دنیل شفیلد هستم که منابع دیگری را هم که خود از آنها بهره برده بود، با گشاده‌دستی برایم ارسال کرد. در طول دوره پژوهش نیز کمک و راهنمایی‌های دوست و همکار مهربان و بزرگواریم دکتر حمیدرضا دلوند بسیار مغتنم و راهشگا بود، بسیار سپاسگزارشان هستم.

## پیشگفتار ۷

در پایان از همه مدیران و مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی که برای پیشبرد شایسته پژوهش‌ها تلاش می‌کنند، صمیمانه سپاسگزارم؛ به ویژه قدردان دکتر حسینعلی قبادی رییس محترم پژوهشگاه، دکتر علیرضا ملایی توانی معاون محترم پژوهشی پژوهشگاه و تمامی همکاران ایشان هستم. سپاسگزاری می‌کنم از دکتر یدالله رفیعی مدیر انتشارات پژوهشگاه و همکاران بزرگوار ایشان که تلاش می‌کنند حاصل پژوهش‌های اعضای هیات علمی این مؤسسه به بهترین صورت منتشر شود و در دسترس علاقمندان قرار گیرد؛ به ویژه از همراهی، مهربانی و دلسوزی خانم مهدیه دین‌پناه سپاسگزارم.

این کتاب را به همسرم پدram سروش‌پور و فرزند عزیزم اشا تقدیم می‌کنم که با صبر و فداکاری در طول این سال‌ها همواره از خود گذشته‌اند و مرا در پیشبرد کارهایم یاری کرده‌اند.

فرزانه گشتاسب

تیر ۱۴۰۰





## فصل اول

### مقدمه

آذریکیوان (۹۴۰-۱۰۲۷ ق / ۱۵۳۳-۱۶۱۹ م) بنیان‌گذار مکتب آذریکیوانی یا آذرهوشنگی، فردی از اهالی فارس بود که بخشی از عمر خود را در شیراز اقامت داشت. بنابر روایتی که در کتاب *دبستان مذهب* از زندگی آذریکیوان آمده است، از پنج سالگی ریاضت را آغاز کرد و به کم‌خوری و شب‌بیداری پرداخت، همچنین بیست و هشت سال از عمر خود را در خُمی به سر برد. او در اواخر عمرش رهسپار هند شد و در شهر «پتنه / پتنا» (Patna) مقیم شد و در آنجا تا سن هشتاد و پنج سالگی مریدانش را ارشاد می‌کرد، تا اینکه در حدود ۱۰۲۷ ق (۱۶۱۹ م) در شهر پتنا درگذشت. بر اساس نسب‌نامه‌ای که در همین کتاب برای آذریکیوان ذکر شده است، پس از هشت پشت، نسب او به آذرساسان پنجم مترجم و مفسر کتاب *دساتیر*، سپس تا آذرساسان نخست پسر دارا، و در ادامه به هوشنگ و سیامک و کیومرث می‌رسد. پس از کیومرث نام‌ها ناآشنایند و نشانی از آنها در هیچ کتاب تاریخی پیش از آذریکیوان یافت نمی‌شود که به ترتیب عبارت‌اند از: یاسان آجام از نژاد یاسان، شای مهبول، شای کلیو، جی‌آلا، جی‌افرام، آباد آزاد از نژاد مه‌آباد. مه‌آباد یا آذرهوشنگ، همان کسی است که آذریکیوانیان کیش خود را به او منسوب می‌کنند و در واقع او را «برترین پیغمبران و بزرگ‌ترین پادشاهان و پدر مردم این دور» می‌دانند.

آذریکیوان و پیروانش، خود و نیاکان خویش را «پارسی» یا «فارسی» نامیده‌اند و از پیشینیان خود با عنوان «پارسیان»، «ائمه‌پارس»، «ائمه‌کشف و شهود پارس»، «اولیای پارس» و «حکمای پارس» یاد کرده‌اند. همچنین خود را ایزدیان، یزدانیان، آبادیان، سپاسیان، هوشیان، انوشگان، آذرهوشنگیان و آذریان نامیده‌اند. منظور از «پارسیان» در نوشته‌های آذرهوشنگی، زرتشتیان ایران و هند یا عموم ایرانیان نیستند، بلکه گروهی از ایرانیان‌اند که بر راه و رسم

قدماء باقی مانده‌اند و به همین دلیل نسبت به دیگر ایرانیان برترند؛ به باور ایشان، پارسیان از نسل هوشنگ و دیگر ایرانیان از نسل کیومرث‌اند. به نظر می‌رسد نام «آذریان» و «آذری کیشان»، همچنین نام «آذر» در اسم آذرکیوان و برخی از شاگردان او مانند آذرهوش و مهرآذر و نیز در نام پیشینیان آذرکیوان که خود را به ایشان منتسب می‌کند مانند آذرگشسب، آذرزدشت، آذربهرام، آذرساسان و جزآن، به اعتقادات اشراقی آذرکیوان و پیروانش باز می‌گردد. آذرهوشنگیان کتاب آسمانی خود را *دساتیر* می‌دانند که یزدان برای مه‌آباد فرستاده است و در آن از همه دانش‌ها، به همه زبان‌ها سخن رفته است، زبانی که مه‌آباد این کتاب را بدان نوشته است، «زبان آسمانی» است که به هیچ یک از زبان‌های زمینی شباهت ندارد و شام پیامبرانی که بعد از مه‌آباد آمدند، همگی سنت قدیم مه‌آباد را ادامه دادند و رونق بخشیدند.

اکثر پژوهشگرانی که درباره زندگی آذرکیوان به پژوهش پرداخته‌اند، او را از زرتشتیان فارس می‌دانند. این در حالی است که او نه با زرتشتیان ایرانی و نه با زرتشتیان هند در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی ارتباط چندانی ندارد و جز تعدادی انگشت‌شمار از زرتشتیان که در حلقه مریدان او نام برده شده‌اند، هیچ اشاره‌ای به زرتشتیان ایران و هند و آیین‌ها و اعتقاداتشان در کتب آذرکیوانیان نیست.

آذریان مهم‌ترین تفاوت خود را با زرتشتیان در دو امر می‌دانند: یکی آنکه آذریان بر خلاف کسانی که قائل به «شریعت نقلی» هستند، پیرو تعالیم و احکام عقلی پیامبران‌اند و دوم اینکه آنان دینی را قبول دارند که ادیان پیش از خود را نیز تأیید می‌کند، نه ادیانی که فقط برای تأیید شریعت خود دلیل می‌آورند. علی‌رغم اینکه آبدیان خود را از زرتشتیان جدا می‌دانستند، پیروان ادیان دیگر، هم آبدیان و هم زرتشتیان را مجوس می‌نامیدند.

بر اساس منابعی که به آذرکیوانیان اشاره دارد، کتاب‌ها و نوشته‌های آذرکیوان و پیروانش بالغ بر بیست و پنج عنوان رساله بوده است که از آن میان، تنها هشت اثر بر جای مانده است: *دساتیر*، *خویشتاب*، *زردست/افشار*، *زنده‌رود*، *زورۀ باستانی*، *شارستان چهارچمن*، *جام کیخسرو و دبستان مدهب*. آثار دیگری که به آذرکیوان و پیروان او منسوب است و نشانی از آنها بر جای نمانده، عبارت‌اند از: *آیینه اسکندر*، *پرتو فرهنگ*، *تخت طاقدیس*، *جشن سده*، *سرود مستان*، *سمرادنامه کامگار*، *نوش دارو*، *بومگاه درویشان* و جز آن.

در این هشت کتاب از قول خود آذرکیوان و درباره عقاید او مطلب زیادی نیامده است و برای دریافت اصول اعتقادات این مکتب ناچاریم به نوشته‌ها و باورهای نویسندگان این

کتب که پیروان او بوده‌اند، تکیه کنیم. اعتقاد به تناسخ، خلع بدن و عروج روحانی، تأویل کتب آسمانی و قصص، ریاضت‌های دشوار و بسیار سخت، اشراق و سیر و سلوک، علوم غریبه، معجزه، معاد و وحدت ادیان از مهم‌ترین باورهای عرفانی و فلسفی آذرکیوان و پیروان اوست. بر اساس کتب آذریان، دانش و حکمتی که به آذرکیوان سپرده شد، میراث حکمای یونان و هند و پارس بود که از طریق حکمای قدیم این سرزمین‌ها به او آموخته شد. آذریان معتقد بودند بعد از شهادت سهروردی تا زمان آذرکیوان، سنت قدیم و تعالیم شیخ اشراق در پرده‌خفا پنهان شده بود و ظلمت جهل بر دانایان و خردمندان سایه انداخته بود، تا اینکه آذرکیوان زمانی که در هند بود «به اوج کیوان مرتفع گردید و به مقام قاب قوسین اوادنی رسید و مجدداً آموزه‌های اشراقی شیخ شهید را احیاء کرد».

«زبان آسمانی» که آذریان بدان معتقدند، به باور ایشان زبانی است رمزی که مردمان زمینی (آخشیجی پیکران) قادر به سخن گفتن بدان نیستند، زیرا الهامی است از سوی خداوند که تنها با قلب می‌تواند دریافت شود. به اعتقاد ایشان دساتیر مانند کتب دیگر پیامبران، کلام آسمانی است. باور دیگر ایشان آن است که پیروان همه ادیان همچون هندو، یهود، نصرانی، گبر، سنی و شیعه می‌توانند از رموز و اشارات کلام آسمانی بهره‌مند شوند؛ نیز بر این باورند که اصل و حقیقت همه ادیان یکی است، «اگر همه ایشان را به اسامی مختلفه نامند بنابر اختلاف لغات و استبعاد السنه چنان‌که امام ارباب کشف و اعیان و مقتدای اصحاب استدلال و برهان، آذرکیوان، در آیین اسکندر که از تصانیف آن حضرت است آورده که اختلاف فریقین مذکورین در نام است، چنان‌که پندت سمازنگ به هندی، و موبد به فارسی» (شاهستان چهار چمن: ۱۶۳-۱۶۵).

### مروری بر پژوهش‌های پیشین درباره آذرکیوان

نخستین فردی که در اواخر سده هیجدهم میلادی توجه دانشمندان و پژوهشگران را به سوی آذرکیوان و کتاب آسمانی دساتیر کشاند، سر ویلیام جونز انگلیسی بود. آشنایی او با این فرقه، به واسطه کتاب دبستان مذاهب اتفاق افتاد که در سال ۱۷۸۷ آن را خوانده بود. او با اعتقاد کامل به درستی مطالب این کتاب، در ششمین سخنرانی خود، در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۷۸۹، تاریخی جدید را برای ایران باستان معرفی کرد. وی با استناد به نوشته‌های محسن فانی که او را گردآورنده کتاب دبستان مذاهب می‌دانست، پیروان هوشنگ را از پیروان زرتشت جدا کرده

و می نویسد «به اعتقاد پیروان هوشنگ، مه‌آباد نخستین فرمانروای ایران و کل زمین است که مردم را به چهار طبقه روحانیان و نظامیان، بازرگانان و خدمتکاران تقسیم کرد...<sup>۱</sup> مه‌آباد از سوی آفریدگار، کتابی مقدس به زبان آسمانی دریافت کرد و آن را در بین مردم رواج داد که نام اصلی آن معلوم نیست و نویسندهٔ مسلمان، عنوان عربی دساتیر را بدان داده است» ( Jones, 1824: 99-100). ویلیام جونز، چهارده پیامبر مه‌آبادی را با چهارده منو (manu) در عقاید هندو مقایسه می‌کند که نخستین آنها، کتابی مشتمل بر احکام و فرامین خدا دارد که به نظر هندوان با ودا برابر است و به زبانی نوشته شده که زبان خدایان است و به همین دلیل کتاب مه‌آباد را با کتاب قوانین منو<sup>۲</sup> یکی می‌شمارد (Ibid: 100).

پژوهشگران بعدی همین عقیدهٔ جونز را شرح و بسط بیشتر دادند و تا آنجا پیش رفتند که کتاب مه‌آباد را نسخهٔ اصلی کتاب مقدس ایرانیان، و *زند/اوستا* و کتاب زرتشت را رونوشتی از آن انگاشتند؛ و مه‌آباد را زرتشت اصلی و زرتشت متون اوستایی را کسی دانستند که با استفاده از نام او، به عنوان مصلح و پیامبری قانون‌گذار به ارج و بزرگی دست یافت (Faber, 1816: vol. 2, 69). سخن جونز و مقایسهٔ چهارده پیامبر مه‌آبادی با چهارده منو را می‌توان مورد توجه قرار داد و بیشتر بررسی کرد. منو در دورهٔ پورانه‌ها (Purāna) یعنی دوران ادبیات اساطیری و حماسی

۱. این چهار طبقه هر کدام نامی دساتیری در کتاب دبستان مذاهب دارند (به ترتیب: هورستار، نورستار، سورستار، رورستار) و گروه چهارم را با وظیفهٔ پیشکاری و خدمت در عقاید ایرانی نمی‌توان یافت و به نظر می‌رسد که از عقاید مردم هند تأثیر گرفته است. نام این چهار طبقه در دبستان مذاهب چنین آمده است:

نخست هیریدان و موبدان و زهاد و علماء که ایشان برای نگاه داشتن دین و ضبط حدود و آیین‌اند و ایشان را «برمان» و «برمن» خواندند یعنی برینیان می‌مانند که ملائکهٔ علویه‌اند، و «هورستار» نیز سرایند. قسم دوم خسروان و پهلوانان که به کار جهاننداری و حکومت و داد و منع و ستم می‌پردازند و ایشان را «چترمان» و «چترمن» و «چتری» گفتند، چه چتر به معنی نشان و علامتی است که غالبان را باشد، چتر سایه‌دار و سایه‌بان را نیز نامند، و خلق در سایهٔ این فرقه‌اند، و «نورستار» نیز سرایند. و بخش سیم اهل زراعت و کشاورزان و پیشه‌وران و هنرمندان و اهل صنعت‌اند و ایشان را «باس» خواندند چه باس بسیار را گویند، این فرقه از جمیع فرق بسیار و بیشتر باشند و باس هم به معنی آبادی و معموری است، آبادی از ایشان است، و سورستار نیز نامند. و گروه چهارم برای هرگونه پیشکاری و خدمت‌اند، این فرقه را سودین و سودی نامیدند، چه از ایشان سود و تن‌آسایی و آسایش مردم را رسد و رورستار نیز سرایند (دبستان مذاهب: ۱۰).

۲. کتاب «قوانین منو» که manava dharma s'astrā نام دارد، مشتمل بر وظایف کلی هندوان، بدون در نظر گرفتن طبقات اجتماعی بوده و شامل بخشش، تسلط بر نفس، پاکیزگی، حکمت و عقل، راستی، آزار نرساندن به دیگران است (شایگان، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۹۵).

پس از ودایی، نام و عنوان هر یک از حاکمان حکیمی است که در آغاز یکی از چهارده «دورهٔ منو» یا «منوتره» (manvantara) ظهور می‌کند. در این سنت، کل دورهٔ جهان یک روز برهما (Brahma) است که با آغاز روز، آفرینش شروع می‌شود و پس از پایان این روز و فرارسیدن شب، برهما به خواب می‌رود و انحلال عالم (pralaya) رخ می‌دهد تا زمانی که خدا دوباره بیدار شود و مجدداً جهانی دیگر آغاز شود. یک روز برهما که یک کَلِپه (kalpa) است، از ۱۴ منوتره تشکیل شده و هر منوتره معادل ۷۱ مَهایوگه (mahāyuga) است.<sup>۱</sup> ما اکنون در دورهٔ کالی یوگا از هفتمین منوتره به سر می‌بریم که vaivasvata نام دارد و هنوز هفت منوترهٔ دیگر از عمر جهان باقی مانده است (Rocher, 2005: 5679). منو اولین انسان، اولین شاه و آورندهٔ شریعت و قانون‌گذار الهی در هر دورهٔ جهان است و اوست که شریعت و دهاها را وضع می‌کند (شایگان، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۷۶؛ ج ۲، ص ۷۲۳؛ Rocher, 2005: 5679). به این ترتیب دور از احتمال نیست که اندیشهٔ چهارده پیامبر مه‌آبادی در مکتب آذرکیوان، از متون هندی الهام گرفته باشد.<sup>۲</sup>

انتشار رساله‌های مکتب آذرکیوان که یکی پس از دیگری پیدا می‌شد، آغازگر راه پژوهش دربارهٔ این مکتب مرموز و ناشناخته بود. اولین کتابی که از مجموعه تألیفات آذرکیوان و پیروانش منتشر شد، کتاب *دبستان مند/هوب* بود. در سال ۱۷۸۹ تعلیم نخست این کتاب دربارهٔ عقاید پارسیان توسط فرانسویس گلاوین به انگلیسی ترجمه شد و به چاپ رسید؛ سپس متن کامل فارسی در سال ۱۸۰۹م به کوشش نذر اشرف و بعد از آن ترجمهٔ گجراتی کتاب به قلم فریدون مرزبان در سال ۱۸۱۵م منتشر شد.<sup>۳</sup> دومین کتابی که از مجموعه آثار آذرکیوانیان منتشر شد، *دساتیر* بود. این کتاب که در سال ۱۷۷۸م توسط ملاکاوس از ایران به

۱. هر کالِپه ۱۰۰۰ مَهایوگه است؛ اما حاصل ضرب ۱۴ در ۷۱ برابر است با ۹۹۴ که شش مَهایوگه کمتر از ۱۰۰۰ است. ممکن است این شش مَهایوگه، دوره‌ای کوتاه پیش از آفرینش جهان یا در پایان آن باشد.
۲. جونز واژهٔ مه‌آباد را نیز یک واژهٔ سنسکریت دانسته ولی توضیح بیشتری دربارهٔ آن نداده است (Jones, 1824: 100)؛ اما فابر دربارهٔ منشاء سنسکریت این واژه به تفصیل نظریه پردازی کرده و آن را از واژهٔ maha-bād به معنی «بودای بزرگ» دانسته است (Faber, 1816: vol. 2, 68).
۳. ترجمهٔ کامل انگلیسی در سال ۱۸۴۳ توسط دیوید شی و آنتونی ترویر در سه جلد، و مجدداً در سال ۱۹۰۱ با مقدمه‌ای از جکسن به چاپ رسید؛ و رحیم رضا زاده ملک در سال ۱۳۶۲ شمسی کتاب *دبستان مند/هوب* را با یادداشت‌های مفصل در دو جلد، جلد اول شامل متن کتاب و جلد دوم مشتمل بر تعلیقات، در کتابخانهٔ طهوری به چاپ رسانید (برای مشخصات کتاب‌شناختی این کتاب‌ها ← همین کتاب، فصل دوم، میراث مکتوب آذرکیوان و شاگردانش).

هند برده شده بود، پس از فراز و نشیب‌هایی، در سال ۱۸۱۸م با تلاش ملافیروز پسر ملاکاوس به چاپ رسید.<sup>۱</sup> آثار دیگر آذرکیوانیان نیز به تدریج در نیمه دوم سده نوزدهم چاپ و منتشر شد. سه رساله خویشتاب، زردست/فشار و زنده‌رود همراه با ترجمه گجراتی آنها در سال ۱۸۶۶م، جام کیخسرو در سال ۱۸۴۸م، شارستان چهار چمن در سال ۱۸۵۴م، و رساله زوره باستانی همراه با سه رساله‌ای که قبلاً منتشر شده بود (خویشتاب، زردست/فشار و زنده‌رود) در مجموعه‌ای به نام آیین هوشنگ در سال ۱۸۷۹م منتشر شد.<sup>۲</sup>

نخستین پژوهش علمی درباره زندگی، آثار و عقاید آذرکیوان را جیوانجی جمشیدجی مدی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۳۲م، با عنوان «یک موبد بلند پایه پارسی (دستور آذرکیوان ۱۵۹۲-۱۶۱۴م) و مریدان زرتشتی او در پتنه، در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی»<sup>۴</sup> منتشر ساخت. چنان‌که از عنوان مقاله مدی برمی‌آید، وی آذرکیوان را یک روحانی زرتشتی در بالاترین مرتبه آن یعنی دستور می‌دانست و معتقد بود که پیروان و مریدان وی نیز اکثراً از زرتشتیان بوده‌اند. او در مقاله خود، فهرستی از آثار آذرکیوانیان و شرح حالی کوتاه از شاگردان زرتشتی و غیرزرتشتی آذرکیوان گردآوری کرده است. کتاب *دبستان مدهب* مهم‌ترین منبع وی در نگارش این مقاله بوده است.

مقاله مدی و چاپ نوشته‌های آذرکیوانیان، سبب شد تا زرتشتیان پارسی از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، به نام آذرکیوان به عنوان یکی از دستوران و موبدان زرتشتی در تألیفات خود اشاره کنند؛ برای نمونه می‌توان به معرفی کوتاه پی‌مستر از آذرکیوان در ردیف موبدان پارسی هند (Paymaster, 1954: 126-127) و توضیحات دالا درباره مکتب آذرکیوان به عنوان یک مکتب باطنی و عرفانی اشاره کرد (Dhalla, 1938: 461-469). دالا از آذرکیوان به عنوان آخرین پارسی زرتشتی نام می‌برد که کلید رمزهای پنهان دین زرتشت را در دست داشت، کلیدی که به عقیده او، بعد از آذرکیوان گم شد (Ibid: 503). به این ترتیب روشن است که دالا مدافع آموزه‌های سری

۱. ترجمه گجراتی *دساتیر* در سال ۱۸۴۸م به قلم ملاکیقباد منتشر شد. در سال ۱۸۸۸ چاپ مجدد ترجمه انگلیسی (چاپ سال ۱۸۱۸م) و چاپ متن فارسی آن با مقدمه فارسی ملافیروز همراه با «فرهنگ لغات کتاب مستطاب دساتیر» در بمبئی انجام شد (برای مشخصات کتاب شناختی این کتاب‌ها ← همین کتاب، فصل دوم، میراث مکتوب آذرکیوان و شاگردانش).

۲. برای مشخصات کتاب شناختی این کتاب‌ها و چاپ‌های دیگر آنها ← همین کتاب، فصل دوم، میراث مکتوب آذرکیوان و شاگردانش.

3. Jivanji Jamshedji Modi

4. "A Parsee High Priest (Dastur Azar Kaiwan, 1529-1614 A.D) with his Zoroastrian Disciples in Patna, in the 16th and 17th Century A.C." (in: *Journal of K.R. Cama Oriental Institute* 20, pp. 1-85).

و عرفانی آذرکیوان و مکتب اوست؛ وی معتقد است تنها به کمک چنین آموزه‌ای است که می‌توان از لایه‌های سطحی دین که ویژه عوام مردم است عبور کرد و به لایه‌های باطنی و پنهان دین دست یافت. او دو ویژگی مهم برای تعالیم آذرکیوان برشمرده است، یکی وجود دو مرتبه و لایه معنایی در اوستا و دیگری راه و رسم زهدورزی (Ibid: 466-468).

نخستین مقالات درباره آذرکیوان در زبان فارسی، به قلم ابراهیم پورداود نوشته شد. پورداود که حدود سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۱ خورشیدی بعد از مطالعه دساتیر، شیفته واژه‌های فارسی آن شده بود، ناگهان با تذکر محمد قزوینی به تردید می‌افتد و پس از تحقیق و تفحص در آرای مستشرقان و اصل نوشته‌های ایران باستان از جمله متون اوستایی و پهلوی، درمی‌یابد که به هیچ روی، نمی‌توان قدمت و صحت مطالب دساتیر را تأیید کرد. او پس از چند سخنرانی و چاپ مقالاتی کوتاه، مقاله‌ای مفصل به نام «دساتیر» را در سال ۱۳۲۶، در کتابی با عنوان فرهنگ ایران باستان منتشر می‌کند. وی در این مقاله بیشتر به زبان دساتیر می‌پردازد تا کیش و آیین آن؛ چون معتقد است «زیانی که از این نامه به ما رسیده، از لغت‌های ساختگی آن است نه از آیین دروغین آن» (پورداود، ۱۳۵۵: ۴۳). پورداود پس از شرحی مختصر درباره چگونگی یافته شدن دساتیر و انتشار آن، تلاش می‌کند تا با آوردن شواهد واژگانی از این کتاب، ساختگی و نادرست بودن زبان دساتیری را اثبات کند.

محمد معین در مقاله «آذرکیوان و پیروان او»، به موضوعاتی چون «آذرکیوان که بود»، «چرا به هندوستان رفت»، «شاگردان و پیروان آذرکیوان» و «مهم‌ترین آثار آنها» پرداخته است. وی بیش از همه، از مقاله مدی و پورداود بهره برده است. او درباره آیین آذرکیوان می‌نویسد: «عقاید این فرقه معجونی است از ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی، مانوی، مزدکی و اسلام و بدیهی است با عقاید زرتشتی کاملاً تطبیق نمی‌کند و بیشتر متمایل به آیین‌های برهمایی، بودایی و فلسفه افلاطونی جدید است». معین در بخش آخر مقاله‌اش با طرح این سؤال که «آیا تقلب و تزویری در میان بوده است؟» (معین، ۱۳۳۶: ۳۶)، محققان را به دو گروه تقسیم می‌کند، کسانی چون استاد پورداود که معتقد بودند آذرکیوان و پیروان او گروهی متقلب و مزور بوده‌اند که با جعل دین و زبان خواسته‌اند مردم را بفریبند و گروه دوم پژوهشگرانی چون ملافیروز و هانری کربن که مخالف این عقیده بودند و آذرکیوان و پیروانش را حکیمانی اشراقی به شمار می‌آوردند. معین تلاش می‌کند تا در بررسی خود، راهی میانه را در پیش گیرد و از شدت و استواری سخن محققانی چون پورداود، در رد کامل عقاید آذرکیوان از سه جنبه دینی، مسائل تاریخی و زبانی بکاهد.

رشید شهردان در کتاب خود، *تاریخ زرتشتیان - فرزنانگان زرتشتی*، مطالبی درباره آذرکیوان و زندگی او، شاگردان و پیروانش، قدمت *دساتیر* و دستور آذرکیوان و نیز ارتباط آذرکیوان با شاهان مغول و اکبرشاه گردآوری کرده است. شهردان از پژوهشگرانی است که نه تنها در راستی و درستی آذرکیوان تردید ندارد، بلکه تلاش می‌کند تا آموزه‌های زرتشتی و کردار و اندیشه‌های حکما و موبدان زرتشتی را نیز در سایه تعالیم آذرکیوانی تعبیر کند. وی در ذیل مطلبی با عنوان «نظریات زرتشتیان راجع به سلوک» می‌نویسد:

فرزانگان و روحانیان ایران باستان ریاضت را می‌ستودند، ریاضتی که اختیاری یعنی طریقت و سلوک در راه حقیقت باشد، نه ریاضت اضطراری و بلائی که خداوند برای سزای بدکاران نازل می‌سازد. شرایط رهروی و سلوک نزد آنها بسیار بوده. موبد هوشیار در کتاب خویش *سرود مستان* مفصلاً شرح می‌دهد؛ از آن جمله است معاشرت و صحبت با دانایان، تجرید، تفرید، پرهیزگاری، آشنایی با مردم و مهربانی، توکل، شکیبایی، خرسندی، برداشت و مانند آن... (شهردان، ۱۳۶۳: ۱۱۷).

این نظر که شهردان آن را به فرزنانگان و روحانیان ایران باستان نسبت داده است، در حقیقت از کتاب *دبستان مذاهب* (ص ۲۷-۲۶) نقل شده و در آنجا از عقاید سپاسیان و آذرکیوانیان دانسته شده است. در ادامه سخن، شهردان نمونه‌هایی دیگر از ریاضت و زهدورزی حکمای یزدانی را از کتاب *دبستان مذاهب* نقل می‌کند و همه را از عقاید زرتشتیان به شمار می‌آورد؛ همچنین کسانی را که نامشان به عنوان شاگردان و پیروان آذرکیوان در کتاب‌های *دبستان مذاهب* و *شارستان چهارچمن* آمده است، به عنوان حکیمان و فرزنانگان زرتشتی نام می‌برد و شرح حال ایشان را از این کتاب‌ها نقل می‌کند، افرادی مانند فرزانه خراد، فرزانه اردشیر، فرزانه خردمند، موبد هوشیار، موبد خداجوی. شهردان پس از کی‌نشین، ارونند، شاه کیخسرو، جاماسب حکیم، اسفندیار، پشوتن، ساسان، تنسر، ارداویراز و آذرباد ماراسپند، شرحی نسبتاً مفصل درباره آذرکیوان می‌آورد و او را چنین معرفی می‌کند:

سرکرده گروه خداشناسان، روشن‌روانان و اولیای متأخرین و فرزنانگان زرتشتی در پایان سدهٔ دهم هجری، حضرت دستور آذرکیوان می‌باشد. می‌گویند که از سروشاووزان کوچ‌نشین‌های دلپتان نادیدنی است که برای تعلیم بشریت قدم از اعتکاف بیرون نهاده است (همان: ۱۴۰).  
فتح‌الله مجتبابی پژوهشگر دیگری است که در دو مقاله کوتاه «آذرکیوان» و «آذرکیوانیه» در *دانشنامه ایران* و مقاله‌ای مفصل‌تر با عنوان «آذرکیوان» در جلد اول *دائرةالمعارف بزرگ*



اسلامی و در دو مقاله «دساتیر» و «دبستان مذاهب» در *دایرةالمعارف ایرانیکا*<sup>۱</sup>، آذرکیوان و تألیفات او و شاگردانش را معرفی کرده است.

عبدالحسین زرین کوب از پژوهشگرانی است که بر اساس نوشته‌ها و روایاتی که از مکتب آذرکیوانی باقی مانده‌اند، آذرکیوان را شخصیتی مجعول و موهوم شمرده و نام اصحاب و آثار منسوب به آنها را ساختگی دانسته است؛ از جمله کتاب *دبستان مذاهب* را مشتمل بر مجعولات و اغراقات بسیار درباره ادیان و مذاهب پارسیان و هندیان دانسته و *دساتیر* را کتابی مضحک و مجعول نامیده است.<sup>۲</sup> به عقیده او با اینکه باید در وجود شخصی تاریخی به نام آذرکیوان تردید کرد، اما فرقه آذرکیوانیه وجود داشته است؛ «معهدا آثار بازمانده از این فرقه، که ظاهراً تعدادشان هم برخلاف دعویشان بسیار نبوده است، روی هم رفته آنها را بیشتر عده‌ای جعل و کذاب و غیرقابل اعتماد نشان می‌دهد و هند البته همواره برای چنین مدعیان، مثل بابارتن، آمادگی داشته است و ظهور آنها و رواج دعوی آنها را نباید با غرابت تلقی کرد» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۶۹).

علی اصغر مصطفوی نیز در کتابی با عنوان *ترفند پیغمبرسازان و دساتیر آسمانی به سختی بر جعلی بودن دساتیر تاکید دارد*. وی متن *دساتیر* و فرهنگ واژگان آن را در این کتاب چاپ کرده است و در مقدمه‌ای مفصل (حدود ۲۰۰ صفحه) سعی در اثبات این امر دارد که: «دساتیر نیز در شمار صدها کتاب و نامه جعلی دیگری است که به دست انگلیسیان در دوره اوج استعمار ساخته و پرداخته شده است» (مصطفوی، ۱۳۷۰: ۶).

محمد توکلی طرقی در جست‌وجوی چگونگی بازسازی هویت ایرانی در گزارش تاریخ، «مکتب نوزرتستی و اشراقی منش» آذرکیوانیان را، سرآغاز جنبش باززایی (renaissance) در ایران می‌داند که به ویژه در نیمه نخست قرن سیزدهم هجری و چاپ و انتشار آثار این فرقه، به دلیل آغاز و گسترش صنعت چاپ، تأثیری آشکار و مهم بر فکر و اندیشه ایرانیان درباره تاریخ و زبانشان گذاشت (توکلی طرقی، ۱۳۸۲: ۱۶). او اشاعه پارسی‌نویسی و خودداری از به کار بردن کلمات عربی، «ایران افرازی» و تکیه بر برتری نژادی ایرانیان بر دیگر اقوام و فصاحت زبان

1. "Dabestān-e madāheb", *Encyclopedia Iranica*, vol. 6. pp. 532- 534; "Dasātīr", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 7. p. 84.

۲. مرحوم زرین کوب در همین کتاب، ملافیروز را از پیروان آذرکیوان و به اشتباه وی را «مؤلف کتاب مضحل و مجعول دساتیر» دانسته است (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۶۸).

فارسی، و بازپردازی اسطوره‌ها و شخصیت‌های از یادرفته را، نشانه‌های کوشش آذرکیوانیان برای نوزایی ایران می‌داند (همان: ۱۸-۲۱). به عقیده او آذرکیوانیان با بازخوانی اسناد و سنن اسلامی و بازگشودن نکات نهفته در متون تاریخی، تلاش کردند تا گذشته پارسیان را بازخوانی کنند و برای آنان هویتی نو بسازند (همان: ۲۳). توکلی درباره بازسازی تاریخ باستانی ایران به دست آذرکیوانیان چنین می‌نویسد:

یکی از شگردهای آذرکیوانیان برای بازسازی گذشته‌های فراموش شده، تقسیم‌بندی تاریخ باستان به دوره‌های پنج‌گانه‌ای بود که چهار دوره آن پیش از پیدایش کیومرث گلشاهی روی داد. به دور از سرکوبی‌های صفویان شیعه‌آیین، آذرکیوانیان در فضای همزیستی مذهبی اکبرشاه در هند، به تلافی سال‌ها خاموشی پیرامون اسطوره‌های تاریخی ایران، گزارش‌هایی ساختند که بسیاری را به بازاندیشی تاریخ و زبان ایران واداشت. اینکه بر اساس کدامین متون آنها توانستند دوره‌های آبادیان، جیان، شائیان، و یاسانیان را برسازند، آشکار نیست. آشکار آن است که آنها گذشته‌ای ساختند که در آن ایرانیان قدیم‌تر از تمامی اقوام دیگر بودند (همان: ۲۱). از جمله پژوهش‌های دیگری که نگاهی هم به دست‌تیر و واژه‌های دست‌تیری دارند، می‌توان به تحقیقاتی اشاره کرد که به جریان سره‌نویسی در زبان فارسی پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

برخی از سهروردی‌شناسان و محققانی که در حوزه فلسفه اشراق پژوهش می‌کنند، به مناسبت ادعای آذرکیوانیان مبنی بر ادامه حکمت خسروانی در آموزه‌هایشان، گاه به بررسی نوشته‌های آذریان نیز پرداخته‌اند؛ از این پژوهشگران می‌توان به نام غلامحسین ابراهیمی دینانی و هانری کرین اشاره کرد که اتفاقاً نظری مخالف یکدیگر دارند. دینانی چنان‌که خود می‌گوید، نه به جنبه‌های لغوی و ادبی آثار آذرکیوانیان و نه به جنبه‌های تاریخی این جریان فکری نمی‌پردازد، بلکه تنها جنبه فلسفی و فکری طریقه آذرکیوانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. او از میان نوشته‌های آذرکیوانیان، دبستان مذاهب و دست‌تیر را بررسی کرده است و آنها را مطالبی سست و بی‌اساس می‌داند. به نظر او آنچه در این فرقه تعلیم داده می‌شود، «نوعی التقاط و ترکیبی ناهمگون از عناصر مختلف فکری» است (دینانی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۳۷۶). البته عمده اشکالی که دینانی درباره عقاید این فرقه مطرح می‌کند، از فصل یازدهم کتاب دبستان مذاهب است که درباره عقاید حکما نوشته شده، نه عقاید آذرکیوان؛ و چنان‌که دینانی نیز اشاره کرده است، فهم مؤلف از مطالب فلسفی چندان عمیق و دقیق نبوده است و به همین

۱. برای نمونه نک: عطرفی و افروزنده، ۱۳۸۹؛ رمضان‌نیا، ۲۰۱۲؛ رمضان‌نیا، ۱۳۹۳؛ سلیمانی، ۱۳۹۳.

دلیل در نقل مطالب از کتب گوناگون دچار اشتباهات زیادی شده است. هانری کربن را باید از زمره مشهورترین مستشرقان و ایران‌شناسان قرن بیستم دانست که درباره آذرکیوان مطالبی مهم نوشته است. کربن فیلسوف و سهروردی‌شناس فرانسوی در مقاله «آذرکیوان» در *دایرةالمعارف ایرانیکا*<sup>۱</sup> و در فصل «اعقاب اشراقی در ایران و هند» از کتاب *اسلام در سرزمین ایران* از آذرکیوان و آراء و عقایدش سخن گفته است. به اعتقاد کربن، احیاء جریان عرفان و فلسفه اشراقی سهروردی در بین زرتشتیان - ادعایی که خود آذرکیوانیان هم داشتند - مهم‌ترین پیام و آموزه مکتب آذرکیوانی است. به نظر او آثار آذرکیوان برای متخصصان متون پهلوی و اوستایی که رویکرد فیلولوژیک دارند، اهمیت چندانی ندارد، ولی برای پژوهندگان عرصه حکمت دینی بسیار مهم است؛ «زیرا حاکی از بازخوانی و تفسیر آثار سهروردی در پرتو دانشی است که این زردشتیان، خود از اوستا و کتب پهلوی داشته‌اند» (کربن، ۱۳۹۰: ۵۶۰).

ژاک دوشن‌گیمن ایران‌شناس بلژیکی، در کتاب *خوددین‌های ایران باستان* تنها یک صفحه را به آذرکیوان اختصاص داده و او را عارفی زرتشتی و ایرانی‌تبار دانسته است که با روش مرتاضان هندی عمل می‌کرد. به عقیده او آذرکیوان، مانند سهروردی، ترکیبی از مزداگرایی و نوافلاطون‌گرایی را تعلیم می‌داد و تفسیر و تأویل تعالیم زرتشتی و حماسه‌های ایران باستان در آموزه‌های او نقش اساسی داشته است (دوشن‌گیمن، ۱۳۷۵: ۴۳۳).

ماریان موله، ایران‌شناس دیگری است که در یادداشتی کوتاه آموزه‌های مکتب آذرکیوان را «التقاطی صوفیانه- اشراقی در لباس مبدل مزدایی» دانسته است:

مسئله این بوده است که نشان دهند دین زرتشتی چندان از اسلام متفاوت نیست و نیز اینکه دین پارسی کهن‌ترین همه ادیان است و آن یک از این مشتق می‌شود. برای رسیدن به این نتیجه، دین زرتشتی را از تمام محتوایش خالی می‌کردند. از وجود پیامبران پرشمار مقدم بر کیومرث خبر می‌دادند که آموزه‌های فرضیشان از آموزه‌های مکاتب صوفیانه عصر چندان متفاوت نبود و از سوی دیگر، برای توضیح اعمال پیامبران شناخته‌شده مزداپرستی نوعی تأویل را می‌پذیرفتند. نتیجه آن التقاطی صوفیانه- اشراقی بود در لباس مبدل مزدایی؛ تأثیر ایده‌های ابن عربی در این مورد بی‌شک در خور توجه بوده است (موله، ۱۳۹۵: ۳۴، ی ۴).

1. "Āzarkayvan", *Encyclopaedia Iranica*, vol. III, pp.183-187.

در پانزده سال اخیر، دو ایران‌شناس جوان، تاکشی آئوکی و دنیل شفیلد تحقیقاتی درباره آذرکیوان انجام داده‌اند. آئوکی بر این باور است که آذرکیوان، موبدان موبد زرتشتیان فارس در سده شانزدهم میلادی بوده است. وی معتقد است برخلاف زرتشتیان یزد و کرمان یعنی همان زرتشتیانی که تا امروز باقی مانده‌اند و پیرو آموزه‌های سنتی دین زرتشتی هستند و زرتشتیان گجرات که پیرو زرتشتیان یزد و کرمان هستند، زرتشتیان فارس افرادی عارف و صوفی مسلک و وارث فلسفه نوافلاطونی بودند که بر ادبیات دوره میانه زرتشتی، به ویژه کتاب سوم و چهارم دینکرد تأثیر گذاشته بود (Aoki, 2001b: 60-61). به باور او، این زرتشتیان در سده شانزدهم میلادی همراه رهبرشان آذرکیوان به هند می‌روند، اما بعد از سده هفدهم میلادی دیگر اثری از حضور آنها نداریم (Aoki, 2002: 151). آئوکی بی‌توجهی آذرکیوان و شاگردانش به متون اوستایی و پهلوی را به دلیل بی‌اطلاعی ایشان از زبان این متون می‌داند و اینکه نام زرتشت در فهرست حکیمان قدیم که آذرکیوان آنها را در خواب دیده و از آنها تأیید گرفته، نیامده است، به این دلیل می‌داند که آذرکیوان نسبتی بین خود زرتشت و دین زرتشتی عرفانی قائل نبوده است (Aoki, 2001a: 265, 269).

دنیل شفیلد، در مقاله‌ای با عنوان «زبان آسمانی در دوره صفویه در ایران» با بررسی زبان دساتیر که به باور آذرکیوانیان، زبانی آسمانی بود، این احتمال را مطرح می‌کند که نظر آذرکیوان در این باره از اندیشه‌های فرقه حروفیه تأثیر گرفته است (Sheffield, 2014: 165). موضوع دومی که وی در مقاله مهم خود به آن می‌پردازد، عقیده وحدت ادیان و رسیدن همه ادیان جهان به یک حقیقت واحد در اندیشه آذرکیوانیان است. شفیلد این بحث را به این نتیجه می‌رساند که این اندیشه آذریان بر نظریه «صلح کل» اکبرشاه تأثیر مستقیم و بنیادین داشته است.